

حقوق بین المللی کیفری و پدافند غیرعامل

جعفر یزدیان جعفری^۱

چکیده

حقوق بین المللی کیفری در جهان کنونی با جرم شناختن و مجازات جنایات بین المللی در محکمه‌ای فوق ملی می‌تواند وسیله‌ای برای پیشگیری از این جنایات باشد. در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی (اساسنامه رم ۱۹۹۸) تمهیدات متعددی برای این مکانیزم پیش بینی گردید. از جمله حذف بسیاری از عوامل موجه، معافیت‌ها و مصونیت. اما حصول بازدارندگی در این زمینه با موانع جدی روبروست؛ عدم اطلاع رسانی به مخاطبین، تبعیض در اجرای عدالت در صحنه بین المللی و عدم امکان اعمال مجازات اعدام می‌تواند از جمله این موانع باشد. با حذف این موانع می‌توان انتظار داشت جامعه جهانی به جای توسل به زور، جنگ و تجاوز از طرق مسالمت آمیز به حل اختلافات خود پرداخته و حقوق بین الملل کیفری به مثابه نوعی پدافند غیرعامل در مقیاس بیم المللی عمل کند.

کلیدواژه‌ها: حقوق بین الملل کیفری، جنایات، اساسنامه رم، دیوان

۱. استادیار گروه حقوق دانشگاه کاشان

مقدمه

حقوق بین‌المللی کیفری تنها شاخه‌ی بین‌المللی حقوق کیفری است که به بررسی جنایات بین‌المللی، شیوه رسیدگی به آنها و نحوه واکنش به آنها می‌پردازد. این شاخه حقوق کیفری شاخه نسبتاً نوپایی است که رشد اصلی خود را پس از جنگ جهانی دوم و بویژه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان جنگ سرد داشته است. در حال حاضر به موجب اساسنامه رم ۱۹۹۸ دیوان بین‌المللی کیفری در لاهه هلند برای رسیدگی به مهمترین جنایات بین‌المللی ایجاد شده و رویای ایجاد یک مرجع فراملی برای رسیدگی به شدیدترین جرایم بین‌المللی به واقعیت پیوسته است. اگرچه هنوز تا نقطه ایده آل فاصله وجود داشته و حاکمیت کشورها بزرگ‌ترین مانع برای پاسخ دهی توسط این مرجع بین‌المللی به جنایت کاران است. مطابق با ماده ۵ اساسنامه که از اول اوت ۲۰۰۲ با تصویب ۶۰ کشور از کشورهای عضو اساسنامه لازم الاجرا گردیده است دیوان کیفری بین‌المللی صلاحیت رسیدگی به جنایت نسل‌زدائی (ژنوسید)، جنایات علیه بشریت، جنایت جنگی و جنایت تجاوز را خواهد داشت که البته صلاحیت دیوان در خصوص مورد اخیر (جنایت تجاوز) با اصلاحیه اساسنامه در سال ۲۰۱۰ اتفاق افتاد این اتفاق آنقدر مهم بود که برخی آنرا با اصل ایجاد دیوان کیفری بین‌المللی مقایسه نموده‌اند این بدان معناست که از این پس اگر کشوری به کشور دیگر تجاوز نماید مقامات و مسئولین تصمیم‌گیری در آن کشور در پیشگاه این دادگاه مسئولیت کیفری خواهند داشت از آنجا که جنایت تجاوز در سطح بین‌المللی سرآغاز بسیاری از جنگ‌های خانمان برانداز و منشأ انجام بسیاری از جنایات جنگی در طول جنگ و چه بسا جنایات علیه بشریت و حتی ژنوسید خواهد بود اطلاع‌رسانی در سطح وسیع برای شهروندان بخصوص افراد تصمیم‌گیر و مسئولین رده‌ی بالای کشورها و نیز نظامیان بویژه فرماندهان آنها می‌تواند هم به لحاظ آموزشی و تعلیمی و هم به لحاظ بازدارندگی و تحذیری مانع اینگونه جنایات گردیده، کشورها به طرق مسالمت‌آمیز دیگری غیر از تجاوز و مخاصمه مسلحانه و تجاوز به اهداف خود در صحنه بین‌المللی دست یابند این امر در سطح بین‌المللی موجب دفاع و حمایت از صیانت و کیان ملت‌های ضعیف‌تر و مآلاً کمک به امنیت بین‌المللی و حفظ کرامت و شأن انسانی خواهد شد. در این مقال برآنیم با بررسی اجمالی مکانیزم ارعابی کیفر در سطح بین‌المللی اهمیت آن را به عنوان نمونه‌ای از پدافند غیرعامل مورد تحلیل قرار دهیم.

ارعاب بواسطه کیفر هم ناظر به مجرمین بالقوه یعنی کسانی است که استعداد بزهکاری دارند و با وجود مجازات از ارتکاب جرم منصرف می‌شوند و هم راجع به مجرمین بالفعل است که مرتکب جرم شده‌اند اما مجازات کردن آنها مانع تکرار جرمشان در آینده می‌گردد. در هر حال بازدارندگی مستلزم فرایندی است که پیش شرط‌های خاص خود را دارد. اول اینکه وجود قانون کیفری به اطلاع بزهکاران برسد (آگاهی از وجود قانون) دوم اینکه مجرم (بالقوه یا بالفعل) بتواند این آگاهی را در رفتار خود وارد نماید و بالاخره سوم اینکه

در موازنه نهایی توسط مجرم زیان حاصل از مجازات پیش از سود حاصل از جرم ارزیابی شود. در خصوص شرط اول باید دید حکومت‌ها چقدر در مطلع کردن افراد مرتبط یعنی تصمیم‌گیران، مشاورین فرماندهان نظامی و حتی سربازان اهتمام دارند. مطلع کردن هم راجع به اعمال ممنوعه و مصادیق متنوع هر یک از این جنایات است و هم راجع به مجازات‌ها و واکنش‌های موجود در اساسنامه. در خصوص اعمال ممنوعه و مصادیق آنها همین بس که گفته شود اساسنامه دیوان فهرست نسبتاً جامعی از اعمال غیر قانونی را تهیه کرده که ممکن است افراد فاقد اطلاع از محتوای آنها تصور ممنوعیت آنها را نکنند به عنوان مثال در جنایت تجاوز نه تنها تجاوز ارضی و فیزیکی به خاک کشوری دیگر جرم است بلکه اعزام دسته‌ها، گروه‌ها، نیروهای نامنظم یا مزدوران مسلح از سوی یک دولت یا به نام یک دولت که علیه دولت دیگر اعمال شبه نظامی انجام می‌دهند یا کمک اساسی به این اعمال می‌کند نیز مصداق دیگری از تجاوز تلقی خواهد شد.^۱

بنابراین برای متجاوز شناخته شدن ضرورتی به اشغال نظامی خاک کشور دیگر نخواهد بود. همچنین در جنایت جنگی به جز مصادیق بارز و شناخته شده آن مثل کشتن غیر نظامیان، اسراء یا استفاده از سلاح‌های ممنوعه اعمالی چون خائنه کشتن یک نظامی دشمن، انجام آزمایش‌های پزشکی و علمی روی افرادی که تحت سلطه طرف مقابل هستند، تخریب اماکن مذهبی، آموزشی و هنری یا حتی اعلان این مطلب که به احدی رحم نخواهد شد مصادیق جنایات جنگی تلقی شده است.^۲

حال سوال اینجاست که نظامیان ما تا چه حد با ممنوعیت این اعمال آشنایی دارند چه میزان مقامات تصمیم‌گیر با این قضیه آشنایی دارند یا حتی می‌خواهند آشنا شوند؟ لازم به ذکر است که مطابق اساسنامه دیوان دستور آمر و حکم قانون نمی‌تواند توجیه‌کننده این جنایات تلقی شود و برای مقامات نیز وجود مصونیت در قوانین بی‌معنا است. توضیح اینکه مطابق ماده ۲۷ اساسنامه مقررات آن بدون در نظر گرفته سمت رسمی افراد اجرا خواهد شد و به طور مشخص سمت رسمی رییس دولت، یک عضو دولت یا مجلس، نماینده انتخاباتی یا نماینده یک دولت به هیچ وجه وی را از مسئولیت کیفری معاف نمی‌سازد و حتی موجب تخفیف مجازات نیز نخواهد بود. ماده ۳۳ اساسنامه نیز مقرر می‌دارد این مسأله که ارتکاب یکی از جرایم در صلاحیت دیوان در اجرای دستور یک دولت یا یک مقام مافوق انجام گرفته شخص را از مسئولیت کیفری معاف نمی‌سازد.

حتی اساسنامه دیوان راجع به ادعای جهل به غیر قانونی بودن عمل در قالب دستور مافوق سخت‌گیری لازم را مبذول داشته در صورتی جهل را مسموع می‌داند که دستور صادره آشکارا غیر قانونی نبوده باشد و

۱. شق ح بند ۲ ماده ۸ مکرر اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی اصلاحیه ۲۰۱۰.

۲. ر.ک: ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی.

بلافاصله مقرر می‌سازد که دستور به نسل کشی و جنایات علیه بشریت آشکارا غیر قانونی تلقی می‌شوند راجع به سایر جنایات بویژه جنایات جنگی نیز حقوق دانان معتقدند که مطابق حقوق عرفی بین المللی بسیاری از جنایات جنگی نیز آشکارا غیر قانونی محسوب می‌گردند.

به نظر می‌رسد با آموزش محتوای اساسنامه دیوان به عنوان یک سند معتبر بین المللی در پایگاه‌های نظامی و حتی برای مقامات کشوری می‌توان در فرایند تصمیم سازی آنها تأثیر گذاشت زیرا هیچ کس نمی‌تواند با قطعیت خود را مصون از محاکمات بین المللی بداند وجود احتمال منطقی مجازات توسط مراجع فوق ملی، خود می‌تواند عاملی بازدارنده نسبت به فجایع بین المللی باشد. زمانی گفته می‌شد که نمی‌توان از یک نواجنگی انتظار داشت یک کتابخانه از کتب حقوق بین الملل را حمل کند اما امروزه با پیشرفت سریع تکنولوژی ارتباطات به سادگی می‌توان از آخرین قوانین و رویه‌های قضایی محاکمات بین المللی اطلاع حاصل کرد.

راجع به شرط دوم یعنی دخالت دادن آگاهی به تصمیم گیری لازم است مخاطبان قانون توانایی لازم در این زمینه را داشته باشند ممکن است افراد از ممنوعیت اعمال اطلاع داشته باشند اما موقع تصمیم گیری با مشکل مواجه شوند شرایط حاد و اضطراری زمان جنگ مانع اتخاذ تصمیم صحیح خواهد بود. در این زمینه نیز گزینش نیروهای نظامی بالاخص افرادی که به لحاظ روانی، کنترل لازم بر رفتارهای خود را دارند و انجام آزمون‌های پیش از استخدام در خصوص نداشتن بیماریهای روانی بویژه انواع اضطراب و افسردگی عاملی موثر خواهد بود. افرادی که دارای رفتارهای تکانه ای و تنش‌های هستند واضح است که در شرایط بحرانی عاجز از اتخاذ تصمیم مناسب خواهند بود.

بالاخره راجع به شرط سوم باید مخاطبان بدانند واکنش و مجازات این جنایات چه میزان است تا بتوانند نفع و زیان حاصل از جرم و مجازات را تقویم نمایند. متأسفانه در این زمینه اساسنامه دیوان بر خلاف حقوق داخلی میزان معینی از مجازات را برای هر جنایت در نظر نگرفته است. توضیح اینکه در ماده ۷۷ اساسنامه تنها به مجازاتهای قابل اعمال برای کلیه جنایات اشاره شده است بدون اینکه هر مجازات، مقابل جرم خاصی قرار گیرد. مطابق این ماده مجازاتهای قابل اعمال عمدتاً حبس (موقت یا دائم) و در مواردی به صلاحدید دادگاه توأم با جزای نقدی و مصادره اموال خواهد بود. همانگونه که پیداست بر خلاف محاکمات بین المللی سابق (دادگاه نورنبرگ و توکیو) مجازات اعدام در فهرست مجازاتهای اساسنامه وجود ندارد و بنابر اعتقاد عده ای این ممکن است موجب تجری جنایتکاران بین المللی گردد. به علاوه اعمال این مجازاتها علی فرض دستگیری، محاکمه و محکومیت در این مراجع است و معمولاً مجرمان خود را در این مقام تصور نمی‌کنند بویژه وقتی در گوشه و کنار دنیا این جنایات واقع شده و تنها برخی از آنها با واکنش دیوان روبه رو می‌شود. مطابق اصل حتمیت که مورد تأکید طرفداران اثر بازدارنده مجازات است هر چه مجازات با قطعیت و

حتمیت بیشتری همراه باشد آثار ارعابی بیشتری خواهد داشت. اعمال سلیقه قدرت‌ها در تعقیب جنایت بین‌المللی مانعی بزرگ در این مسیر است. البته طراحان اساسنامه دیوان خود بدین مسأله واقف بوده و سعی کرده اند راههای فرار از مجازات را در مقایسه با حقوق داخلی بسیار کم‌رنگ تر کنند برخی از آنها که قبلاً به آنها اشاره شد شامل عدم مصونیت و عدم پذیرش امر آمر در این جنایات به عنوان دفاع است. علاوه بر این می‌توان به عدم پذیرش مرور زمان در جنایات بین‌المللی (ماده ۲۹ اساسنامه) و نیز عدم امکان اعمال تأسیسات ارفاقی مجازات مثل عفو یا تعلیق مجازات اشاره کرد. تنها مطابق ماده ۱۱۰ اساسنامه به شرط وجود قرائن اصلاحی در محکوم آن هم پس از اجرای دو سوم دوره محکومیت و در حبس ابد پس از اجرای ۲۵ سال از حبس می‌توان آزادی محکوم را مورد بررسی قرار داد.

همچنین در رویه قضایی بین‌المللی در محاکمات رواندا و یوگسلاوی سابق دفاعیاتی مثل اقدام متقابل طرف درگیری (دفاع "تو نیز هم") یا تبعیض در اجرای عدالت (اینکه در سایر نقاط دنیا نیز مشابه جنایات متهم واقع شده و مراجع بین‌المللی عاجز از رسیدگی به آنها هستند) هیچکدام پذیرفته نشد. مکانیزم دیگری که می‌توان از آن به عنوان وسیله ای برای بازدارندگی در اساسنامه یاد کرد سهل‌گیری در تحقق عنصر معنوی جرائم است. مطابق ماده ۳۰ وجود علم نسبت به وقوع یک جنایت بین‌المللی برای توجه اتهام به متهم کافی است و ضرورتی به وجود قصد مجرمانه نیست وفق شق ب بند ۲ این ماده آگاهی از اینکه در مسیر طبیعی حوادث نتیجه ای پیش خواهد آمد معادل قصد ارتکاب آن نتیجه تلقی خواهد شد. همچنین راجع به مسئولیت افراد مافوق نسبت به جرائم زیر دستان نه تنها مافوقی که آگاه از وقوع جرم است نسبت به آن جرائم مسئولیت خواهد داشت بلکه در خصوص مافوق نظامی نوعی خطای جزایی را نیز برای مسئولیت وی کافی دانسته است مطابق شق یک بند الف ماده ۲۸ فرمانده نظامی که با توجه به اوضاع و احوال قضیه می‌دانسته یا باید می‌دانسته که نیروهای تحت امر او جرم مذکور را مرتکب شده‌اند مسئولیت بخاطر آن جرائم خواهد داشت. بالاخره اینکه در خصوص مستی به عنوان دفاع نسبت به جنایات بین‌المللی بی‌پروایی و بی‌توجهی مرتکب نسبت به اینکه به دلیل مست بودن در معرض ارتکاب یکی از جرائم مربوط به صلاحیت دیوان قرار خواهد گرفت نیز مانند حالتی تلقی شده است که عمداً خود را مست کرده است. (شق ب بند یک ماده ۳۱ اساسنامه) با این همه سختگیری واضعین اساسنامه می‌خواهند به افراد بفهمانند که در رفتارهای خود محتاط تر بوده و مراقب باشند زیرا نتیجه این جنایات آنقدر شدید هست که کمبود مجرمیت در عنصر معنوی آنها را جبران کند.

نتیجه

اگر چه در دیباچه اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی پیش بینی شده است که کشورهای عضو آن مصمم هستند با مجازات کردن مرتکبان جنایات بین‌المللی در پیشگیری از چنین جرائمی مشارکت نمایند اما این

هدف با موانع جدی روبرو است اولاً افرادی که احتمالاً در حکومتها درگیر چنین جنایاتی خواهند شد معلوم نیست تا چه حد از فهرست اعمال ممنوعه مطلع باشند در ثانی اطلاع لازم از فقدان بسیاری از دفاعیات آنگونه که در حقوق داخلی مرسوم است نسبت به جنایات بین المللی ندارند ثالثاً با وجود اطلاع نیز احتمال دستگیری و مجازات آنها در عمل آنقدر شایع نیست که موجب ارباب کافی آنها شود و بالاخره اینکه با وجود دستگیری و مجازات نیز سقف مجازات در دیوان حبس ابد است آنهم به شرطی که اهمیت جرم ارتکاب و اوضاع و احوال محکوم آنرا توجیه کند.

با تمام این تفاسیر می توان امیدوار بود در آینده با افزایش موارد محکومیت در دیوان، بدون تبعیض در اجرای عدالت برای گوشه و کنار دنیا، مجازات مجرمین بین المللی به عنوان عاملی مهم جهت پیشگیری از این جنایات باشد. امید است این مقاله گامی کوچک در جهت تنویر افکار عمومی در این زمینه برداشته باشد تا شاهد جهانی با خشونت کمتر در آینده باشیم.

